

**حق کودکان بر محیط‌زیست سالم در اسناد بین‌المللی (اسناد منتخب)**عسکر جلالیان<sup>۱</sup>**چکیده**

**زمینه و هدف:** اگرچه کنوانسیون حقوق کودک صراحتاً حق کودک را برای داشتن محیطی پاک تضمین نمی‌کند، اما حاوی مقررات متعددی است که به موضوع حفاظت از محیط‌زیست مرتبط است؛ این موارد عبارتند از حق کودکان برای زندگی، بقا و رشد، حق برخورداری از بالاترین استانداردهای سلامتی و حق داشتن استانداردهای زندگی مناسب. محیط‌زیست پاک و سالم پیش شرط لازم برای تحقق حقوق مذکور و نیز عامل کلیدی در اجرای مؤثر کل کنوانسیون است. این کنوانسیون حدوداً سه دهه است که در حال اجرا می‌باشد و بانک جهانی به صراحت اعلام کرده است که سرمایه‌گذاری در سلامت کودکان برای تضمین توسعه انسانی و اقتصادی ضروری است. با این وجود، علیرغم آگاهی جهانی از تأثیر مخرب تخریب محیط‌زیست بر زندگی کودکان و به طور پیش فرض، بر آینده بشریت، ما سالانه با ۱٫۷ میلیون کودک زیر پنج سال مواجه هستیم که به دلیل خطرات زیست محیطی جان خود را از دست می‌دهند.

**روش:** این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد و داده‌های آن با روش اسنادی - کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌ها در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که این‌گونه بیان می‌شود: در اسناد بین‌المللی چه تضمین‌هایی برای حمایت از کودکان در برخورداری از محیط‌زیست سالم پیش‌بینی شده است؟ حاکی از این است که در اسناد متعدد بین‌المللی گرچه تصریحاً و مستقلاً شاهد ورود به حق کودکان بر محیط‌زیست سالم نیستیم، اما در مواد متعددی شناسایی این حق قابل استنباط می‌باشد. به نظر می‌رسد بازنگری در خواسته‌ها و چالش‌های مربوط به حق کودک برای داشتن محیطی پاک که در کنوانسیون حقوق کودک یافت می‌شود و نیز پیامدهای آن‌ها برای دولت‌ها مناسب است. از این جهت، به رسمیت شناختن صریح حق کودک برای داشتن محیط‌زیست سالم باید در سطح جهانی صورت بگیرد.

**کلیدواژه‌ها:** حقوق کودک، حق بر محیط‌زیست سالم، اسناد بین‌المللی.

\* استناددهی (APA): جلالیان، عسکر. (۱۴۰۰). حق کودکان بر محیط‌زیست سالم در اسناد بین‌المللی (اسناد منتخب). تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۴(۵۳)، ۴۰۱-۴۱۹.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_694394.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_694394.html)

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: A.jalalian@pnu.ac.ir



## مقدمه

مدتی است که بحث‌های نظری متعددی در خصوص وجود، زمینه‌ها و آینده حق بشر بر داشتن محیط زیست سالم در جریان بوده است. از جمله پیشنهادهایی در مورد حق بشر بر داشتن محیط زیست سالم به عنوان یک حق مستقل در حقوق بین الملل عرفی پدیدار گشته است. هیچ یک از معاهدات بین المللی حقوق بشری موجود، چنین حقی را مستقل از سایر حقوق بشر به رسمیت نمی شناسند، اما به طور گسترده پذیرفته شده است که برخورداری از حقوق اساسی بشر مانند حق زندگی و سلامت، پیش شرط و به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی است. معتقدیم که زمان آن فرا رسیده است که بالاخره حقوق بشر و به ویژه حق کودک جهت داشتن محیطی پاک به رسمیت شناخته شود. زندگی، سلامت و رشد کودکان به دلیل خطرات زیست محیطی که در معرض آن قرار دارند، از جمله آلودگی هوا، مواد شیمیایی موجود در غذا، آب، خاک، لباس یا اسباب بازی، کمبود آب تمیز، سوء تغذیه، بلایای زیست محیطی، تغییرات آب و هوایی به طور جدی به چالش کشیده شده است. تخریب و آلودگی محیط زیست که ناشی از اقدامات انسانی بوده، به طور جدی سلامت و زندگی کودکان را تهدید می کند. تاریخچه و پیشرفت‌های حقوق بشر زیست محیطی نشان دهنده نقش حیاتی سازمان ملل متحد در ظهور آن‌ها در نظم حقوقی جهانی و همچنین، گسترش آن‌ها از طریق آموزش و کمک‌های ارائه شده به کشورهای عضو توسط آژانس‌های مختلف سازمان ملل متحد (به عنوان مثال، سازمان بهداشت جهانی و صندوق کودکان سازمان ملل متحد) می باشد. همین امر در خصوص حقوق کودکان نیز صدق می کند. به طور کلی، تصویب و لازم الاجرا شدن کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک، قطعاً امر مهمی در توسعه قوانین حقوق بشری و به ویژه در زمینه حقوق کودکان بوده است. با وجود اینکه ۴۵ سال است که مفهوم حق بر داشتن محیط زیستی سالم در اعلامیه استکهلم به رسمیت شناخته شده، اما سازمان ملل متحد همچنان در به رسمیت شناختن صریح حقوق بشر و حق کودک برای داشتن محیطی پاک و سالم تردید دارد. گرچه کنوانسیون حقوق کودک یکی از جامع ترین معاهدات حقوق بشری است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودک را پوشش می دهد، با این وجود حق کودک جهت داشتن محیطی پاک و سالم را به صراحت تضمین نمی کند. در یک نگاه منطقی و کلان حقوق محیط زیست باید از حالت توصیه ای و نرم خارج شود و با ابراز در قالب الزام آور می تواند از حقوق کودکان بر محیط زیست سالم چنانکه باید حمایت نماید (جلالیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

### ۱. تعریف محیط زیست و حقوق بین الملل محیط زیست

در خصوص تعریف محیط زیست تعاریف متعددی در کتب علمی، موجود می باشد. حتی بعضی از

نویسندگان ادعا نموده‌اند که نمی‌توان تعریف دقیقی از محیط‌زیست ارائه داد. دلیل این امر هم آن است که مفهوم محیط‌زیست از نظر کشورها با توجه به اهمیتی که هر کشور به یکی از عناصر زیست‌محیطی می‌دهد، می‌تواند متفاوت باشد. اما به هر ترتیب، محیط‌زیست مفهومی است که دارای مصادیقی در جهان خارج است، لذا می‌توان تعریفی مطابق همین واقعیت از آن ارائه کرد. (جلالیان و شهبازی، ۱۳۹۷: ۳).

واژه محیط‌زیست از کلمه باستانی فرانسوی (environner) به معنی احاطه کردن گرفته شده است. با کاربرد موسع واژه احاطه، محیط‌زیست می‌تواند شامل مجموع شرایط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی گردد که بر حیات فرد یا اجتماع اثر می‌گذارد (مرادی، ۱۳۹۶: ۱۵). بنابراین، منظور از آن مجموعه عواملی است که زندگی و حیات را در بر گرفته است. به عبارت دیگر، محیط‌زیست دربرگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان‌ساخت می‌شود که افراد انسانی و حیوانات و یا گیاهان و گونه‌ها را احاطه نموده و یا کلیه عوامل ملموس و غیرملموس که چارچوبه حیات را تشکیل می‌دهند. از لحاظ حقوقی نیز در اسناد قانونی مختلف این واژه تعریف شده است که صرفاً به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله مصوبه ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ شورای اروپا مقرر می‌دارد: «محیط‌زیست شامل آب‌وهوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است.» دیوان بین‌المللی دادگستری در بخشی از نظریه مشورتی خود در خصوص مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای آورده است: «محیط‌زیست مفهومی انتزاعی نیست، بلکه فضائی است که در آن موجودات انسانی زندگی می‌کنند و کیفیت زندگی و سلامتی‌شان از جمله برای نسل‌های آینده به آن فضا وابسته است (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۱۲). به طور کلی، حقوق محیط‌زیست مجموعه قواعد و قوانین مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست و بایدها و نبایدهای نوع و کیفیت رابطه انسان و محیط می‌باشد. در این حقوق، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی بر رفتار آزادانه شهروندان در محیط‌زیست با هدف حفظ آن از تخریب، آسیب و تعدی اعمال می‌شود (انصاریان، ۱۳۹۸: ۳۱). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یکی از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که تنظیم‌کننده روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، مجموعه قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط میان تابعان و بازیگران حقوق بین‌الملل اعم از دولتی و غیردولتی برای حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲).

## ۲. تعریف کودک و شروع و پایان دوره کودکی

بر اساس تعریف ماده اول کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، کودک به هر انسان زیر هجده سال اطلاق می‌شود، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ زودتر حاصل شده

باشد (آنکس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹: ۳).

همانطور که ملاحظه می‌گردد، ماده فوق به شروع کودکی اشاره نکرده و تنها پایان کودکی را به عنوان مرز بین کودکی و بزرگسالی تعیین کرده است. البته، در طرح پیشنهادی لهستان، شروع کودکی از لحظه تولد بیان شده بود که به نظر می‌رسد جوازی برای سقط جنین در اروپا بود که منجر به بروز اختلافاتی شد. لذا، به دلیل اختلاف نظرهای موجود، در مرحله پایانی تصویب کنوانسیون، مجمع عمومی سازمان ملل متحد فقط به پایان کودکی در تعریف کودک تصریح نمود. با توجه به ماده فوق‌الذکر، نکات زیر در خصوص این تعریف قابل تأمل است:

**الف)** تنها کسانی مشمول مقررات کنوانسیون می‌باشند که به هجده سالگی نرسیده باشند.

**ب)** سن بلوغ ارائه شده در این ماده یک سن مطلق نیست، بلکه برحسب قانون ملی کودک متغیر است، زیرا طول مدت بلوغ و نوجوانی در جوامع گوناگون یکسان نیست. به طور کلی، با در نظر گرفتن دوران «پیش از بلوغ جنسی» که طی آن رشد فرد سرعت بیشتری می‌یابد و دوره پیش از کمال عقلی که رسیدن به سن بزرگسالی است، می‌توان گفت دوره نوجوانی چندین سال، از ۱۲ تا تقریباً ۱۸ الی ۲۱ سالگی به درازا می‌کشد که با تغییرات درونی و بیرونی همراه است.

**ج)** سن (۱۸ سالگی) ارائه شده در کنوانسیون هم سن بلوغ است و هم سن رشد؛ یعنی به نظر واضعین این قانون، با رسیدن کودک به ۱۸ سالگی، اهلیت اجرای مستقیم تمام حقوق خود را داشته و به طور کلی از تحت ولایت خارج می‌گردد، زیرا اگر غیر از این بود، با توجه به اختلاف قوانین کشورها در این مورد باید به تفاوت سن بلوغ و رشد اشاره می‌کردند (امیدی، ۱۳۸۵: ۶۷).

### ۳. کنوانسیون حقوق کودک و حق کودک بر محیط زیست سالم

#### ۳-۱. تاریخچه شکل گیری کنوانسیون حقوق کودک

حدود سی سال پیش، مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون حقوق کودک را در لحظه‌ای از تغییرات سریع جهانی که با پایان آپارتاید، سقوط دیوار برلین و تولد شبکه جهانی وب همراه بود، تصویب کرد. این امر، تحولی مهم و پایدار و همچنین، حس تجدید و امید را برای نسل‌های آینده به ارمغان آورد. در انعکاس این روحیه امیدوارکننده، کنوانسیون از آن زمان به گسترده‌ترین معاهده حقوق بشر در تاریخ تبدیل شده است (یونیسف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۱).

#### ۳-۲. حق کودک بر داشتن محیط زیست سالم

در ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک که یکی از مهمترین اسناد بین‌المللی حقوق بشری است، حق کودکان در برخورداری از محیط زیست سالم به رسمیت شناخته شده است (لشکری، ۱۳۹۷:

<sup>۱</sup> - Annex (1989) Convention on the Rights of the Child U.N.

<sup>۲</sup> - UNICEF

ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک بیان می‌دارد که:

۱. کشورهای عضو، حق کودک را برای برخورداری از بالاترین معیارهای بهداشتی و تسهیلات قابل حصول جهت درمان بیماری و بازیابی سلامت به رسمیت می‌شناسند. کشورهای عضو باید تلاش کنند تا اطمینان حاصل کنند که هیچ کودکی از حق دسترسی به چنین خدمات و مراقبت‌های بهداشتی مندرج در این کنوانسیون و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر یا بشردوستانه که کشورهای مذکور طرف آن هستند، محروم نمی‌شود.

۲. کشورهای عضو اجرای کامل این حق را دنبال خواهند کرد و به ویژه اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهند کرد:

**الف)** کاهش مرگ‌ومیر نوزادان و کودکان.

**ب)** اطمینان از ارائه کمک‌های پزشکی و مراقبت‌های بهداشتی لازم برای همه کودکان با تأکید بر توسعه مراقبت‌های بهداشتی اولیه.

**ج)** مبارزه علیه بیماری‌ها و سوء تغذیه در چارچوب مراقبت‌های بهداشتی اولیه از جمله، از طریق استفاده از فناوری موجود و فراهم ساختن مواد غذایی مغذی و کافی و آب آشامیدنی سالم، با توجه به خطرات آلودگی محیط‌زیست.

**د)** تضمین مراقبت‌های بهداشتی مناسب قبل و بعد از زایمان برای مادران.

**ه)** تضمین اینکه تمام اقشار جامعه به ویژه والدین و کودکان به آموزش‌های مربوط به مزایای تغذیه با شیر مادر، سلامت و بهداشت محیط و پیشگیری از حوادث دسترسی داشته، مطلع باشند و در زمینه استفاده از دانش پایه مربوط به بهداشت کودک و تغذیه مورد حمایت قرار دارند.

**و)** توسعه مراقبت‌های بهداشتی پیشگیرانه، راهنمایی والدین و آموزش تنظیم خانواده و خدمات مربوطه.

۳. کشورهای عضو کنوانسیون کلیه اقدامات مؤثر و مناسب را به منظور از بین بردن شیوه‌های سنتی آسیب‌رسان به سلامت کودکان انجام خواهند داد.

۴. کشورهای عضو کنوانسیون به منظور دستیابی تدریجی به تحقق کامل حق مندرج در ماده حاضر متعهد می‌شوند همکاری‌های بین‌المللی را ترویج و تشویق کنند. در این راستا، باید به نیازهای کشورهای در حال توسعه توجه ویژه‌ای شود (آنکس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹: ۳).

مطابق با ماده مذکور، دولت‌ها باید تضمین نمایند که تمام اقشار جامعه خصوصاً والدین و کودکان از تغذیه، بهداشت و بهداشت محیط‌زیست بهره‌مند شوند. اساساً، حق بر محیط‌زیست به صورت‌های گوناگون ایجاد می‌شود، اما پاره‌ای از این حقوق از اهمیت بیشتری برای کودکان

<sup>1</sup> - Annex



برخوردار است (لشکری، ۱۳۹۷: ۵۶ - ۵۷).

این حقوق عبارتند از:

۱- آگاهی از حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان حق کودکان در کنوانسیون: کنوانسیون حقوق کودک تأکید قابل توجهی بر افزایش آگاهی عمومی دارد. ماده ۴۲ کنوانسیون بیان می‌دارد که «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند به طور گسترده و به طریقی مناسب و فعال، اصول و مفاد کنوانسیون را به نحوی یکسان به اطلاع بزرگسالان و کودکان برسانند». این موضوع شامل گزارش‌های دولت‌های عضو می‌شود، زیرا بند ۶ ماده ۴۴ ایجاب می‌کند که «دولت‌های عضو باید گزارش‌های خود را به‌طور گسترده در کشور خود در دسترس عموم قرار دهند» (تودرز<sup>۱</sup>، ۱۹۹۸: ۱۸۰).

۲- کاهش آلودگی هوا: هوای سمی می‌تواند به رشد کودکان آسیب برساند و آن‌ها را با مشکلات سلامتی پایدار مواجه کند. این امر یک خطر بزرگ برای آن دسته از کودکان و جوانانی است که از مشکلات قلبی یا تنفسی مانند آسم رنج می‌برند. ناکامی دولت‌ها در مقابله مناسب با آلودگی هوا، ناکامی در حمایت از حق هر کودک جهت رشد در محیطی پاک و سالم است؛ حقی که توسط کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده و یک الزام حیاتی برای رشد و توسعه کودکان است. این مساله به طور گسترده مورد پذیرش قرار گرفته است که کودکان و جوانان در مقایسه با بزرگسالان در معرض خطر بیشتری از هوای سمی هستند و از آنجایی که کودکان سریعتر از بزرگسالان تنفس می‌کنند، هوای آلوده بیشتری را جذب می‌کنند. یک نوزاد سه برابر بزرگسالان و یک کودک شش ساله دو برابر بیشتر از وزن خود تنفس می‌کند. همچنین، کودکان و جوانانی که در جوامع فقیر زندگی می‌کنند، بیشتر از کودکان مرفه‌نشین در معرض آلودگی هوا قرار دارند. در کوتاه‌مدت و بلندمدت، هوای سمی می‌تواند رشد ریه‌های کودکان را متوقف کند و خطر ابتلا به ذات‌الریه را در آن‌ها افزایش دهد. کودکان در صورتی که به طور مکرر در معرض آلودگی هوا قرار بگیرند، بیشتر مستعد سرفه، خس خس سینه و عفونت‌های ریه هستند و این احتمال وجود دارد که در معرض خطر ابتلا به آسم باشند. در حال حاضر، سیاست‌ها و بودجه فعلی دولت‌ها در محافظت از کودکان و جوانان در برابر هوای سمی شکست خورده است. در بریتانیا، اهداف تعیین شده دولت برای بهبود کیفیت هوا از توصیه‌های بین‌المللی خارج است و بودجه کافی برای حمایت از اجرای اقدامات لازم جهت محافظت از کودکان در برابر آسیب وجود ندارد. قرار گرفتن کودکان در معرض هوای سمی برای مدت طولانی نادیده گرفته شده است (ادواردز و ویلسلی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸: ۹۰۶ و ۱۱ و ۳۰).

<sup>1</sup> - Todres

<sup>2</sup> - Edwards and Wellesley

۳- دسترسی به آب شیرین و سالم: با بدتر شدن وضعیت تغییرات اقلیمی، تشدید وضعیت کمبود آب آشامیدنی سالم و سرویس‌های بهداشتی این پتانسیل را دارد که بسیاری از دستاوردهای مربوط به بقای کودکان را تضعیف نماید. از عوامل مؤثر در کمبود آب عبارتند از: آلودگی صنعتی، نابرابری در توزیع، تغییرات آب‌وهوا، و افزایش جمعیت.

بیماری‌های مرتبط با آب و بهداشت سالانه باعث مرگ ۱,۶ میلیون نفر می‌شود. ۲۵۰۰۰ مورد از این مرگ‌ومیر ناشی از مصرف آب آلوده است. تنها در بنگلادش، بین ۲۵ تا ۶۰ درصد جمعیت با خطر مصرف آرسنیک در آب آشامیدنی مواجه هستند. کودکان بیشتر مستعد ابتلا به بیماری هستند. بیماری‌های بهداشتی و مرتبط با آب، بیش از بیست و پنج درصد از کل مرگ‌ومیر کودکان زیر پنج سال را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، در هر هشت ثانیه یک کودک در اثر نوشیدن آب آلوده می‌میرد. اسهال، علت اکثر این مرگ‌ومیرها است. سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است که ۸۸ درصد از بیماری‌های اسهالی ناشی از آب و فاضلاب ناسالم است (کوری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۸-۱۰۹).

دسترسی به آب سالم، بهداشت و سلامت برای جلوگیری از گسترش بیماری‌های عفونی بسیار مهم است. دستاوردهای حاصله در این زمینه، دلیل اصلی پیشرفت تاریخی در پیشگیری از مرگ کودکان بوده است. با وجود این دستاوردها، بیش از ۸۰۰ کودک همچنان هر روز به دلیل بیماری‌های اسهالی مرتبط با تأمین آب ناکافی و بهداشت و سلامت ضعیف می‌میرند. حتی اگر این بیماری‌ها منجر به مرگ‌ومیر نشوند، با تضعیف توانایی بدن در جذب مواد مغذی، به سایر اثرات زیانبار جسمی و شناختی مانند کوتاه‌قدی کمک می‌کنند. طوفان‌ها، سیل‌ها و دیگر رویدادهای شدید آب‌وهوایی، که در حال حاضر بیشتر رخ می‌دهند، تهدیدی برای افزایش این تهدیدات جهت بقا و سلامت کودکان هستند. بر اساس گزارش یونیسف در سال ۲۰۱۷، تخمین زده شده است که تا سال ۲۰۴۰، از هر چهار کودک زیر ۱۸ سال جهان، یک کودک در مناطقی با استرس شدید آبی، زندگی خواهند کرد. با توجه به اینکه بیماری‌های اسهالی باعث مرگ ۴۴۰۰۰۰ کودک زیر ۵ سال در سال ۲۰۱۷ شده است، خطرات بسیار زیاد است. سازمان جهانی بهداشت تخمین می‌زند که تغییرات آب‌وهوایی می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ باعث بیش از ۳۱۶۰۰۰ مرگ‌ومیر سالانه اضافی مربوط به بیماری‌های اسهالی شود. حصول اطمینان از دسترسی به آب در میان درگیری‌های مسلحانه چالش بزرگ دیگری است. شواهد روزافزونی وجود دارد که نشان می‌دهد آب به عنوان یک سلاح جنگی استفاده می‌شود و کودکان قربانیان اصلی آن هستند. از آنجایی که تغییرات آب‌وهوایی کمبود آب را افزایش می‌دهد، درگیری می‌تواند با تخریب زیرساخت‌های حیاتی آب و فاضلاب و عدم دسترسی کودکان و خانواده‌ها از این خدمات ضروری، مشکل را تشدید کند. تعداد کودکانی که تحت تأثیر کمبود آب و عدم دسترسی به سرویس‌های بهداشتی

<sup>1</sup> - Curry

قرار می گیرند، احتمالاً با ادامه تغییرات آب و هوایی افزایش می یابد. بنابراین، کشورها و سازمان های بین المللی باید برای اثرات بهداشتی تغییرات آب و هوایی امروز آماده شوند. این به معنای برنامه ریزی برای بحران های اجتناب ناپذیر آینده است (یونیسف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۲۷).

۴- کاهش تغییرات آب و هوایی: جهان تازه تأثیرات تغییرات آب و هوایی بر مرگ و میر و عوارض متوجه کودکان را احساس کرده است. خسارات قابل توجهی نیز قبلاً وارد شده است. حتی تحت سناریوهای خوش بینانه، کودکان بهای سنگینی را برای تغییرات آب و هوا پرداخت خواهند کرد. اگر روند کنونی ادامه یابد، در ۳۰ سال آینده کودکان جهان احتمالاً با چشم انداز بسیار تیره تری مواجه خواهند شد؛ به عنوان مثال، بدون ایجاد تغییرات اساسی، تغییرات آب و هوایی غیر قابل برگشت خواهد بود و قبل از رسیدن کنوانسیون به شصتمین سالگرد خود، اثرات فاجعه باری را بر سیاره و بشریت وارد می کند. ناامنی غذایی و کمبود آب احتمالاً برای میلیون ها کودک به واقعیت تبدیل می شود. بیماری های منتقله از طریق ناقل در مکان هایی که در حال حاضر تهدیدی نیستند، رایج خواهد شد. سه چهارم مردم جهان در شهرها زندگی خواهند کرد، اما برای بسیاری از محیط های شهری برنامه ریزی نشده و جهت رشد و توسعه کودکان نامناسب خواهد بود. میلیون ها کودک دیگر مهاجرت خواهند کرد، زیرا کمبودهای پیش رو باعث درگیری و خشونت می شود (یونیسف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۲۷).

۵- دسترسی به مواد غذایی: بسیاری از جوامع در سراسر جهان برای مدت طولانی با ناامنی غذایی زندگی می کنند. تغییرات آب و هوایی احتمالاً خطرات را در این جوامع تشدید می کند و سایر جوامع که هنوز تحت تأثیر قرار نگرفته اند تهدید می کند. اگر اقدامی برای کاهش سرعت تغییرات اقلیمی انجام نشود، عرضه جهانی غذا ممکن است دچار مشکل شود. گرم تر شدن دمای هوا باعث کاهش محصول می شود. این تأثیر احتمالاً در مناطق گرم تر که در حال حاضر با ناامنی غذایی دست و پنجه نرم می کنند، نتایج بدتری خواهد داشت. علاوه بر این، تغییرات آب و هوایی می تواند ناامنی غذایی را که به طور اجتناب ناپذیری با درگیری همراه است، تشدید کند. کودکان به طور ویژه در برابر ناامنی غذایی آسیب پذیر هستند. حتی دوره های کوتاه سوء تغذیه می تواند باعث آسیب مادام العمر به رشد آنها شود و آنان را در آینده در برابر بیماری های غیر واگیردار آسیب پذیر کند. ناامنی غذایی همچنین سلامت مادران را تهدید می کند، که ارتباط نزدیکی با بقاء و شکوفایی کودک در سال های اولیه دارند. سازمان جهانی بهداشت تخمین می زند که تغییرات آب و هوایی می تواند منجر به ابتلای ۱۰ میلیون کودک دیگر به کوتاهی قد در سال ۲۰۵۰ شود. در حال حاضر، جهت جلوگیری از این احتمال، نهادهای بین المللی برای کمک به مناطقی که از

<sup>۱</sup> - UNICEF

<sup>۲</sup> - UNICEF



رویدادهای شدید آب‌وهوایی رنج می‌برند، اقداماتی را صورت می‌دهند. چنین تلاش‌هایی باید به تأثیر افزایش ناامنی غذایی بر کودکان و جوانانی که در کنار سالمندان از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه خواهند بود، توجه بیشتری داشته باشند (یونیسف، ۲۰۱۹: ۲۵).

۶- بهداشت محیط و مبارزه با بیماری‌ها: افزایش دما و تغییرات مربوط به آن در محیط، بیماری‌های موجود در محیط را به گونه‌ای تغییر خواهد داد که ما هنوز موارد آن را کاهش نداده‌ایم و هنوز با آن سازگار نشده‌ایم. برای مثال، زیستگاه پشه‌هایی که مالاریا، تب‌دنگی و تب‌زرد را منتقل می‌کنند، به طور قطع گسترش خواهد یافت. وضعیت زیستگاه‌کنه‌هایی که آنسفالیت و بیماری لایم را منتقل می‌کنند نیز همین‌طور خواهد بود. این بیماری‌ها در حال حاضر هزینه‌های وحشتناکی دارند. در سال ۲۰۱۷، تخمین زده شد که مالاریا به تنهایی عامل مرگ ۲۶۶۰۰۰ کودک زیر ۵ سال شده است و ممکن است مرگ‌ومیر در مناطقی که به تازگی تحت تأثیر مالاریا و سایر بیماری‌ها به دلیل تغییرات محیط قرار گرفته‌اند، افزایش یابد؛ زیرا مصونیت نسبت به مناطقی که امروزه به چنین بیماری‌هایی مبتلا هستند، کمتر خواهد بود. بیماری‌های منتقله به احتمال زیاد مناطق روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما پتانسیل گسترش به مراکز شهری را نیز دارند. توجه ویژه در آفریقا، که دارای سریع‌ترین رشد جمعیت کودکان در جهان است، مورد نیاز می‌باشد. اما از آنجایی که تغییرات آب‌وهوایی کل مناطق جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، سیستم‌های بهداشتی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی باید به سرعت برای مقابله با این تهدیدات فزاینده که سلامت کودکان را به خطر می‌اندازد، سازگار شوند (یونیسف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۲۵).

### ۳-۳. موانع بر سر راه اجرای کنوانسیون حقوق کودک

همچنان فقر، نابرابری و تبعیض سالانه میلیون‌ها کودک را از حقوقشان محروم می‌کند، زیرا ۱۵۰۰۰ کودک زیر ۵ سال هنوز هم روزانه جان خود را عمدتاً به دلیل بیماری‌های قابل درمان و سایر علل قابل پیشگیری از دست می‌دهند. در واقع در دهه گذشته، افزایش چشمگیر بقای کودکان و دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و آموزش، تا حدودی به دلیل پیشرفت راکد در سطح جهانی کاهش یافته است. چالش‌های سرسخت همچنان پابرجا هستند و دولت‌ها، جامعه مدنی، آژانس‌های توسعه، بخش خصوصی و دیگران هنوز به اندازه کافی به آن‌ها رسیدگی نکرده‌اند. در نتیجه، پیشرفت در احقاق حقوق کودکان فقیر و حاشیه‌نشین بسیار کند بوده و در برخی موارد در معرض خطر معکوس قرار دارد. در عین حال، کودکان جهان با تهدیدات هشداردهنده جدیدی برای بقاء و رفاه خود مواجه هستند، مانند ظهور مجدد سرخک، و تأثیر تغییرات آب‌وهوایی (یونیسف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹: ۲).

<sup>1</sup> - UNICEF

<sup>2</sup> - UNICEF

### ۳-۴. دستاوردهای کنوانسیون حقوق کودک

از روز ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی، روزی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون حقوق کودک را تصویب کرد، تاکنون جهان تقریباً در تمام جنبه‌های حقوق و زندگی کودکان زیر ۱۸ سال دستاوردهای تاریخی به دست آورده است. این کنوانسیون همچنین دیدگاه جهان را به کودکان به عنوان صاحبان حقوق تغییر داده است. اکنون زمان تعهد مجدد به مفاد کنوانسیون و اهداف توسعه پایدار، همراه با افزایش تلاش‌ها جهت اطمینان از تحقق حقوق هر کودک است.

قبل از به وجود آمدن کنوانسیون، کودکان محروم اغلب به عنوان اقلام خیریه در نظر گرفته می‌شدند تا به آن‌ها آنچه برای بقا و رشد نیاز داشتند، در حداقل ممکن، داده شود. کنوانسیون این دید را تغییر داد. این امر چیزی را متبلور کرد که تا آن زمان، ملل جهان به طور کامل به آن اذعان نکرده بودند: حقوق جهانی غیرقابل تفکیک و تقسیم‌ناپذیر کودکان. این حقوق از بدو تولد با کودک عجین شده است و نمی‌توان آن را با قانون سلب کرد. کنوانسیون تأکید می‌کند که همه کودکان دارای حقوق خود هستند و برخورداری از این حقوق به نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید با منشاء ملی یا اجتماعی، ناتوانی، دارایی، تولد و یا مشابه آن‌ها وابسته نمی‌باشد. یکی از شاخص‌های پیشرفت به دست آمده از زمان تصویب کنوانسیون، کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال است. در طول سه دهه گذشته، میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال حدود ۶۰ درصد کاهش یافته است و در هر منطقه بیش از ۴۰ درصد کاهش به ثبت رسیده است. این یک دستاورد خارق‌العاده و منحصر به فرد و گواهی بر تعهد و فداکاری دولت‌ها، جامعه مدنی و خانواده‌ها برای بقاء کودکان به عنوان اولویت اصلی است. بنابراین، کاهش آن نشان‌دهنده پیشرفت در سایر زمینه‌های بقاء و رشد کودک، از جمله سلامت تغذیه و آموزش مادران است (یونیسف<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹: ۵).

همچنین، مرکز تحقیقاتی یونیسف، یک مطالعه ۳ ساله در خصوص اجرای کنوانسیون حقوق کودک (CRC) انجام داده است. یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که روند قابل توجهی از تغییرات اجتماعی به راه افتاده است.

این مطالعه که در ۶۲ کشور جهان صورت گرفته است، عمدتاً بر اساس گزارش‌های کشورهای عضو کمیته کنوانسیون حقوق کودک و نظرات نهایی کمیته در مورد آن‌ها است. کشورهای عضو به اقداماتی کلی در جهت اجرای کنوانسیون پرداخته‌اند که این امر شامل اصلاح قانون، ایجاد مؤسسات ملی مستقل حقوق بشر برای کودکان، برنامه‌های ملی اقدام و نهادهای هماهنگ‌کننده، تخصیص منابع برای کودکان؛ مکانیسم‌های نظارت بر اجرای کنوانسیون؛ افزایش آگاهی و حمایت؛ و سنجش میزان مشارکت جامعه مدنی از جمله کودکان در تحقق حقوق

<sup>۱</sup> - UNICEF

کودکان می‌شود.

یافته‌های اولیه نشان می‌دهد که اصلاح قانون، اقدامی کلی است که دولت‌های عضو بیشترین توجه را به آن داشته‌اند. حداقل در ۵۰ کشور مورد مطالعه، این کنوانسیون با انجام اصلاحاتی قانونی، از جمله اصلاح قانون اساسی، در چارچوب قانون ملی کشورها گنجانده شده است. بسیاری از کشورها، به ویژه در آمریکای لاتین، قوانین جامعی در مورد حقوق کودکان به تصویب رسانده‌اند. اصلاحات قانون در طیف گسترده‌ای از موارد از جمله حق بر سلامت، حوزه‌ای که شامل واکنش‌های، شیردهی و مراقبت از کودکان دارای معلولیت و آسیب‌دیدگان از بلایای زیست‌محیطی است، رخ داده است.

تأسیس مؤسسات ملی مستقل حقوق بشری برای کودکان نیز از زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودک سرعت گرفته است. گرچه نیروژ و سوند قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون دارای بازرس کودکان بودند، در حال حاضر حداقل ۶۰ نهاد از این قبیل در ۳۸ کشور در سراسر جهان وجود دارد که به عنوان کاتالیزور برای تحقق حقوق کودکان عمل می‌کنند.

توسعه مکانیسم‌های هماهنگ‌کننده مؤثر برای ارتقای تلاش‌های هماهنگ توسط نهادهای دولتی مربوطه یک چالش مهم بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هماهنگی بیشتر، هم در میان وزارتخانه‌ها و هم بین سطوح دولت مورد نیاز است. برنامه‌های ملی تدوین شده‌اند، اما اغلب واقعیت چندبعدی کنوانسیون را منعکس نمی‌کنند و عموماً با تصمیمات بودجه‌ای ادغام نمی‌شوند.

تحقیقات در مورد معیار کلی تخصیص منابع در حال انجام است. ردیابی هزینه‌های عمومی برای حمایت از گروه‌های خاصی از مردم دشوار است، خواه هدف ارزیابی میزان سود آن‌ها از هزینه‌های عمومی باشد یا اینکه آیا هزینه‌های اختصاص یافته برای این گروه‌ها راهی کارآمد برای دستیابی به آن‌ها باشد. رویکرد سنتی بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی، مقایسه سطوح تخصیص منابع در حمایت از خدمات اجتماعی، در سراسر یا درون کشورها بوده است. یک گزینه ارزیابی این است که آیا قانون حمایت از یک گروه خاص به اندازه کافی منابع دارد یا خیر.

همه کشورهایی که ما بررسی کرده‌ایم، فعالیت‌هایی را برای ارتقای آگاهی از کنوانسیون از طریق آموزش و ظرفیت‌سازی گروه‌های حرفه‌ای و از طریق کمپین‌هایی در مورد مسائل بهداشت عمومی مانند HIV انجام داده‌اند.

در نهایت، مطالعه ما نشان می‌دهد که چگونه کنوانسیون حقوق کودک، در مشارکت جامعه مدنی برای اجرای کنوانسیون مؤثر بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که متخصصان اطفال، پزشکان، پرستاران و ماماها از گروه‌های حرفه‌ای فعال در این زمینه هستند. مشارکت کودک بعد دیگری است که در چارچوب این معیار کلی به آن پرداخته می‌شود. هم تفکر و هم تمرین با توجه به مشارکت کودکان در ۱۵ سال گذشته به طور قابل توجهی تکامل یافته است. در واقع، در

طول ۵ سال گذشته، در میان سازمان‌های غیردولتی، بر کیفیت مشارکت کودکان تأکید بیشتری شده است. اتحاد بین‌المللی محافظت از کودکان<sup>۱</sup> نمونه خوبی از رهبری یک سازمان غیردولتی در جهت مشارکت کودکان برای اجرای کنوانسیون بوده است.

در نتیجه، اگرچه کنوانسیون حقوق کودک تنها علت تحولات مورد بحث نیست، اما نشانه‌های روشنی وجود دارد که مقامات دولتی و جامعه مدنی به تعهدات و چالش‌های مندرج در این معاهده واکنش مثبت نشان داده‌اند و تأثیر مثبتی بر آن داشته‌اند. با این حال، برای درک فرآیندهای پیچیده اجرای کنوانسیون هنوز کارهای بیشتری باید انجام شود (سانتوز پیس و بیسل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶: ۶۸۹).

### ۳-۵. تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون

مقررات کنوانسیون حقوق کودک که تعهدات کشورهای عضو در خصوص اجرای حقوق کودک را روشن می‌کند، با حق کودک برای داشتن محیطی پاک و سالم نیز مرتبط است. کنوانسیون حقوق کودک بر این دیدگاه استوار است که خانواده محیط طبیعی رشد کودک است و دولت‌ها باید به مسئولیت اصلی والدین در قبال فرزند خود احترام بگذارند (ماده ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک). با این حال، والدین تنها مسئولین ایجاد محیطی سالم برای فرزندانشان نیستند. به عبارت دقیق‌تر، در درجه اول این مسئولیت با دولت‌ها است که تمام اقدامات لازم را جهت احقاق حق کودک انجام دهند. ماده ۴ کنوانسیون حقوق کودک عموماً از کشورهای عضو می‌خواهد که تمام اقدامات لازم را برای اجرای حقوق شناخته شده در کنوانسیون انجام دهند، اعم از اقدامات قانونی، اداری یا سایر اقدامات، که در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی گنجانده شده است. کمیته کنوانسیون حقوق کودک اجرای اقدامات کلی را با جزئیات بیشتر توضیح داده است و بدین ترتیب، زیرساختی جهت اجرای کنوانسیون حقوق کودک ایجاد کرده است. برای مثال، تأکید می‌کند که راهبردهایی که هدفشان تضمین حقوق کودک است، نباید صرفاً فهرستی از اهداف خوب باشد. آنها باید شامل مواردی همچون توصیفی از فرآیند پایدار جهت احقاق حقوق کودکان، اهدافی واقعی و دست‌یافتنی، اهداف خاص، اقدامات اجرایی هدفمند و تخصیص منابع مالی و انسانی باشند. بعلاوه، مواد ۱۸ و ۲۷ کنوانسیون حقوق کودک، مسئولیت کشورهای عضو را، هم در شرایط عمومی و هم به صورت خاص پیش‌بینی می‌کند. کشورهای عضو موظفند به همه والدین در انجام مسئولیت‌های خود در قبال فرزندانشان کمک کنند؛ همانطور که گفته شد، ماده ۲۷ کشورهای عضو را ملزم می‌کند تا اقدامات مناسبی را برای کمک به والدین در اجرای این حقوق انجام دهند، از جمله کمک‌های مادی و برنامه‌های حمایتی به ویژه در مورد تغذیه، پوشاک

<sup>۱</sup> - Save the Children

<sup>۲</sup> - Santos Pais and Bissell

و مسکن. به جهت معنادار شدن حقوق کودکان، دولت‌ها موظفند برای نقض این حقوق راه‌حل‌های مؤثری همراه با جبران خسارت ارائه دهند. با توجه به تعیین سطح و یا شکل غرامت، قابل توجه است که کمیته کنوانسیون حقوق کودک، خواستار در نظر گرفتن این موضوع است که کودکان نسبت به بزرگسالان می‌توانند آسیب‌پذیرتر از اثرات سوءاستفاده از حقوق خود باشند و این اثرات می‌تواند غیرقابل برگشت باشد و منجر به آسیب مادام‌العمر شود. به دلیل ماهیت در حال تحول و رو به رشد ظرفیت‌های کودکان، جبران خسارت باید به‌موقع باشد تا آسیب‌های جاری و آتی به کودک محدود شود؛ بنابراین، زمانی که کودکان به عنوان قربانیان آلودگی محیط‌زیست شناسایی می‌شوند، باید اقدامات فوری توسط همه طرف‌های مربوطه جهت جلوگیری از آسیب بیشتر انجام گیرد. نحوه اجرای کنوانسیون نمی‌توانست به میزان حسن نیت کشورهای عضو واگذار شود، بنابراین برای جلوگیری از این که کنوانسیون در نهایت به یک «کنوانسیون مرده» تبدیل نشود، کنوانسیون حقوق کودک یک نهاد ویژه ایجاد کرد که وظیفه نظارت بر اجرای آن را بر عهده داشته باشد. طبق ماده ۴۴ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو موظف‌اند گزارش‌های خود را در خصوص اقدامات صورت گرفته به منظور اجرای کنوانسیون، پیشرفت‌های انجام شده و مشکلات احتمالی که در این زمینه با آن مواجه می‌شوند، به کمیته ارائه کنند (رادینا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۱۸).

#### ۴. کودکان و توسعه پایدار

##### ۴-۱. مفهوم توسعه پایدار

این مفهوم از دهه ۱۹۸۰ به عنوان مفهوم اصلی و بنیادین در راهبرد جهانی سازمان ملل قرار گرفت. بر طبق گزارش خانم «برانت لند» در گردهمایی توسعه و محیط‌زیست ۱۹۸۳، مفهوم توسعه پایدار، فرایند پیشرفته‌ای است که بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان، نیازهای نسل کنونی را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر، فراهم کردن فرصت زیستن برای همه و همیشه روی کره زمین است. امروزه توسعه پایدار از اساسی‌ترین موضوعات حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به شمار می‌رود و بدون تردید، از آن می‌توان به عنوان اصلی‌ترین هدف تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نام برد. از طرفی، حقوق محیط‌زیست نیز ابزار مهمی برای نظارت و مدیریت توسعه پایدار است.

اهمیت توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تا حدی است که جهان شاهد تحول این شاخه حقوقی به حقوق بین‌الملل توسعه پایدار است (انصاریان، ۱۳۹۸: ۵۶-۵۷). توسعه پایدار، شکلی از توسعه یا پیشرفت است که موجب برآوردن نیازهای نسل فعلی بشر شود، بدون آن که به توانایی نسل‌های بعدی در تأمین نیازهای خود در این کره خاکی لطمه زند.

<sup>1</sup> - Radina

(جلالیان و سرگزی، ۱۳۹۷: ۳).

توجه به توسعه پایدار به عنوان یک هدف، در تعداد زیادی از اسناد و معاهدات بین‌المللی در خصوص محیط‌زیست مورد توجه قرار گرفته است. بیانیه‌های استکهلم و ریو، دستیابی به توسعه پایدار را مستلزم حفاظت از محیط‌زیست عنوان نموده و دستور کار ۲۱ برای توسعه نیز این دو مفهوم را از یکدیگر غیرقابل تفکیک دانسته است. دستور کار ۲۱ نیز با توجه ویژه به این هدف، علاوه بر پیشنهاد تشکیل کمیسیون توسعه پایدار، خواستار جهت‌گیری حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در راستای مفهوم توسعه پایدار گردیده است. در تدوین اسناد بین‌المللی جدید در این زمینه، حفاظت از محیط‌زیست به عنوان بخشی از فرآیند توسعه پایدار مطرح خواهد شد و ارتباط میان محیط‌زیست با سایر حوزه‌های زندگی انسان و روابط بین‌الملل نظیر بازرگانی و سرمایه‌گذاری هم مورد توجه قرار خواهد گرفت. مقدمه عهدنامه تغییرات اقلیمی ۱۹۹۲ تصریح می‌نماید که تمامی کشورها، به خصوص کشورهای در حال توسعه، نیاز دسترسی به منابعی دارند که برای توسعه پایدار مورد نیاز می‌باشد. همچنین، به همکاری همه کشورها برای حفاظت از سامانه آب‌وهوا برای نسل‌های آینده تأکید ورزیده است (انصاریان، ۱۳۹۸: ۵۷ - ۵۸).

#### ۴-۲. مفهوم حقوق نسل‌های آینده

حقوق نسل‌های آینده دربردارنده این مفهوم است که برای حفاظت کامل از انسان در آینده هم‌اکنون از حقوق بشر و محیط‌زیست در برابر تغییرات آب‌وهوایی حمایت و حفاظت نماییم. این حقوق در پی برقراری «عدالت بین‌نسلی» می‌باشد. مفهوم حقوق نسل‌های آینده از کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شد. این مفهوم بر دو پایه بنا شده است: نخست: زندگی بشری و وابستگی بشر به منابع طبیعی زمین و در نتیجه، وابستگی جدانشدنی تمام نسل‌ها به شرایط محیط‌زیست؛ دوم: انسان همواره در حال ایجاد تغییر در محیط‌زیست می‌باشد. در نتیجه، این موضوع مطرح شد که انسان‌های نسل حاضر، تعهدی ویژه در نگهداری از سیاره زمین برای تضمین حقوق نسل‌های آینده را بر عهده دارند. بنابراین، حقوق و استفاده نسل‌های آینده از این میراث ارزشمند، انسان را از استفاده بی‌رویه از محیط‌زیست محدود می‌سازد. این محدودیت در این حد می‌باشد که آنچه که از محیط‌زیست به دست ما رسیده، در محیط‌زیست محدود می‌سازد. این محدودیت در این حد می‌باشد که آنچه که از محیط‌زیست به دست ما رسیده، در آینده به صورت مناسبی تحویل نسل‌های آینده داده نشود. مفهوم حقوق نسل‌های آینده از مفهوم توسعه پایدار نشأت می‌گیرد. نسل کنونی موظف است که استفاده خردمندانه و منطقی از محیط‌زیست داشته باشد. در واقع، سه مصداق از مفهوم حقوق نسل‌های آینده وجود دارد:

**نخست:** هر نسلی می‌بایست از انواع منابع محیط‌زیست حفاظت و حمایت نماید و این بدان

معناست که آن نسل، محیط‌زیست اطراف خود را به نحوی منطقی و مطلوب استفاده نماید تا نسل‌های آینده هم بتوانند از این میراث ارزشمند بهره‌مند شوند.

**دوم:** استفاده از محیط‌زیست به گونه‌ای باشد که صدمات جبران‌ناپذیری به آن وارد نشود.

**سوم:** از میراث فرهنگی و طبیعی نیز باید همواره برای نسل آینده محافظت شود (انصاریان، ۱۳۹۸: ۵۵ - ۵۶).

سرانجام اینکه کودکان هیچ‌گونه نقشی در آلودگی محیط‌زیست و ویرانی منابع طبیعی ندارند. بهره‌برداری نسل حاضر از منابع طبیعی و مدیریت منابع زیست‌محیطی به گونه‌ای توسعه پایدار است که نسل‌های آینده نیز بتوانند از این منابع بهره‌مند گردند. امروزه کودکان در کانون برنامه‌های توسعه پایدار قرار دارند و اگر نسل حاضر نتواند نیازهای اساسی کودکان امروز یا بزرگسالان نسل آینده را تأمین نماید، آن‌ها چگونه خواهند توانست نسل‌های پس از خود را از شانس برخوردار از زندگی با منابع پایدار، بهره‌مند سازند؟ برابر آمار، بیشترین میزان مرگ و میر کودکان در کشورهای آفریقایی و آسیای جنوبی است که متأسفانه همان کشورهای در حال توسعه‌اند (لشکری، ۱۳۹۷: ۵۳ - ۵۴).

#### ۳-۴. آموزش کودکان برای توسعه پایدار

پژوهشگران آموزش و سازمان‌های بین‌المللی به طور مداوم بر نیاز به آموزش کودکان خردسال در توسعه پایدار و برای توسعه پایدار تأکید کرده‌اند. توسعه پایدار به عنوان برآورده کردن نیازهای نسل کنونی بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود تعریف می‌شود. آموزش به عنوان یک مؤلفه ضروری در راستای هدف توسعه پایدار شناخته شده است. به عنوان مثال، «دهه آموزش برای توسعه پایدار» طی دوره سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ میلادی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام شد تا «ارزش‌ها، فعالیت‌ها و اصولی که ذاتاً با توسعه پایدار مرتبط هستند، در همه اشکال آموزش داده شوند». اهداف این برنامه، آموزش و یادگیری و کمک به ایجاد تغییر در نگرش‌ها، رفتارها و ارزش‌ها برای تضمین آینده‌ای پایدار از نظر اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی است. سازمان ملل متحد سه رکن وابسته به هم در توسعه پایدار را شناسایی کرده است که عبارتند از: رکن اجتماعی-فرهنگی (که به مسائل مربوط به اشتغال، حقوق بشر، برابری جنسیتی و صلح مربوط می‌شود)، رکن محیطی (مربوط به کاهش منابع طبیعی، مصرف و استفاده از منابع موجود) و رکن اقتصادی (مربوط به کاهش فقر و پاسخگویی اشاره دارد). هدف آموزش برای توسعه پایدار، تغییر جوامع و کمک به آینده‌ای پایدار به نفع نسل‌های حاضر و آینده است. این امر مستلزم کمک به افراد برای ایجاد درک دقیق و نگرش مثبت نسبت به پایداری، تفکر مسئولانه و انتقادی در مورد پیامدهای اعمال و عملکردهای روزانه خود می‌باشد



(باتیستا<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸: ۱۶).

به دلیل پیچیدگی های اجتماعی و رفتاری جوامع امروز، به خصوص در کشورهای در حال توسعه و شرایط در حال گذار از سنتی به مدرنیته، نگاه سنتی به کودکان هنوز غالب است (جلالیان، سخن لطیف، ۱۳۹۸: ۲۶). تغییر آن نیازمند برنامه و گذر زمان است.

## ۵. قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در خصوص «احقاق حقوق کودکان از طریق محیط زیست سالم»

وقتی بدانیم که سطح آگاهی فرزندانمان نسبت به مسائل و ارزش های محیط زیستی چقدر به سلامت و بهداشت آنها پیوند خورده، آن وقت است که اراده ما برای آموزش و توانمندسازی کودکان در زمینه محیط زیست تقویت خواهد شد. طبق گزارش یونسکو، هر ساله بیش از ۱٫۷ میلیون کودک زیر پنج سال جان خود را در نتیجه قرار گرفتن در معرض آسیب های زیست محیطی قابل اجتناب از دست می دهند، در حالی که دوازده میلیون کودک در کشورهای در حال توسعه، آسیب دائمی مغزی را به دلیل مسمومیت با سرب تجربه می کنند و تقریباً ۸۵ میلیون نفر کودک در سرتاسر جهان در شرایط خطرناک قرار دارند (پیرام<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰: ۱).

کودکان بیشتر از دیگر گروه ها در معرض آسیب های محیطی قرار دارند و این امر موجب بروز بیماری، ناتوانی و مرگ و میر زودرس در طول زندگی آنها می شود. به علاوه، آنها مجبورند عواقب فاجعه بار بحران آب و هوا و از بین رفتن تنوع زیستی را متحمل شوند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در راستای تقویت مجموعه قوانین حقوق کودک و با تأکید بر حق برخورداری کودک از محیط زیست سالم، قطعنامه ای تاریخی به تصویب رسانده که در آن اهمیت آموزش های محیط زیستی به عنوان یک ابزار اساسی مورد توجه قرار گرفته است. قطعنامه «احقاق حقوق کودکان از طریق محیط زیست سالم» که در چهل و پنجمین جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، از کشورها می خواهد اقدامات لازم برای تضمین حقوق کودکان و نسل های آینده در برابر آسیب های محیط زیستی را دنبال نمایند. این درخواست شامل توجه به «حق برخورداری از محیط زیست سالم» در قوانین و سیاست های ملی و «اطمینان از منافع کودک در تصمیم گیری های محیط زیستی» می شود.

قطعنامه شورا از دولت ها می خواهد با در نظر گرفتن مسائل محیط زیستی، از جمله تغییرات اقلیمی، در آموزش و پرورش، شرایطی فراهم آورند که درک و احترام کودکان نسبت به محیط طبیعی بیشتر و بدین ترتیب، برای تصمیم گیری در آینده آماده شوند. به نوعی این قطعنامه ماده (۱) ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با اهداف آموزش را تقویت می کند، که بر اساس آن،

<sup>۱</sup> - Bautista

<sup>۲</sup> - PEGRAM



آموزش کودک باید «احترام به محیط طبیعی را در او ایجاد نماید». به علاوه، قطعنامه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بر آموزش معلمان تأکید نموده تا آن‌ها نیز به نوبه خود بتوانند به طور مؤثر در مورد مسائل و چالش‌های محیط‌زیستی آموزش دهند.

مسئله محیط‌زیست مقوله‌ای است در ارتباط تنگاتنگ با تمام ابعاد اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی زندگی انسان. بدین ترتیب، برخورداری از یک جامعه دغدغه‌مند برای حفظ محیط‌زیست، بسیار حائز اهمیت است؛ و لازمه داشتن چنین جامعه‌ای، آموزش محیط‌زیستی کودکان از پایه است تا با اهمیت این موضوع آشنا شوند و به عنوان تصمیم‌گیران آینده، مسیر اشتباهی در پیش نگیرند. (قاضی، ۱۳۹۹: ۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

شرایط محیطی مبنایی برای حقوق کودک است و از این تصور شروع می‌شود که موجودات در حال رشد، مانند هر موجود طبیعی دیگری، برای بقا و رشد نیاز به زیستگاه مناسب دارند. داده‌های ارائه‌شده نشان می‌دهد که تخریب محیط‌زیست در حال حاضر در حال وقوع است و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به زندگی کودکان وارد می‌کند و حقوق آن‌ها را تضییع می‌نماید. با تصویب کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها متعهد شدند تا از حداکثر میزان منابع موجود خود، که مستلزم کاهش تدریجی و در نهایت، حذف خطرات زیست‌محیطی به منظور حمایت از حق زندگی و در نتیجه اجرای کلیه حقوق کودکان است، استفاده نمایند. آنچه که اکنون مهم به نظر می‌رسد، این واقعیت است که یک ابزار مهم جهانی وجود ندارد که صریحاً حقوق بشر و حق کودک برای داشتن محیطی پاک را به رسمیت بشناسد. خطرات زیست‌محیطی مانند تغییرات آب‌وهوایی گسترده هستند و از مرزهای ملی فراتر می‌روند، بنابراین جهانی بودن این خطرات مستلزم مکانیسم‌های نظارتی جهانی و اقدام در همه سطوح است. در نتیجه سرمایه‌گذاری در مداخلات محیطی برای بهبود شرایط زندگی کودکان، پیشرفت‌های قابل توجهی حاصل شده است، اما باید زمینه قانونی روشنی برای حقوق محیط‌زیست کودکان ایجاد شود، به ویژه با توجه به خطرات نوظهور زیست‌محیطی مانند حجم فزاینده زباله‌های الکترونیکی. کمیته حقوق کودک با هدف تقویت درک عمیق‌تر از محتویات و مفاهیم کنوانسیون حقوق کودک با توجه به مسائل زیست‌محیطی روز، بحث عمومی سال ۲۰۱۶ خود را به موضوع حقوق کودکان و محیط‌زیست اختصاص داد. کمیته با تأیید اینکه تأثیر آسیب‌های زیست‌محیطی بر سلامت کودکان امری شناخته شده است، بیان می‌کند که علیرغم وجود ارتباط صریح ثابت شده میان آسیب زیست‌محیطی و نقض حقوق کودک، درک رابطه بین حقوق کودکان و محیط‌زیست هنوز در مراحل اولیه است. با این حال، جدای از یادآوری و شفاف‌سازی برخی جزئیات در مورد تعهدات کشورهای عضو و

اعلام آخرین اعداد، (به عنوان مثال، در مورد جان کودکان از دست رفته به دلیل خطرات زیست محیطی)، کمیته نتوانست قدمی به جلو بردارد و برای تهیه پیش‌نویس سند جدیدی که صریحاً حق کودک برای داشتن محیطی پاک را به رسمیت می‌شناسد، درخواست داد. در عوض، فقط قول داد که «گام‌های کافی بیشتر» را در نظر بگیرد. با توجه به وضعیت محیط‌زیست امروز و چشم‌انداز منابع طبیعی زمین برای آینده، وابستگی متقابل حقوق اساسی کودک و محیط‌زیست پاک و به ویژه حساسیت ویژه کودکان در مواجهه با محیط‌زیست، به رسمیت شناختن حق کودک برای داشتن محیط‌زیست پاک می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. عدم اتخاذ تدابیر کارآمد برای محافظت از کودکان در برابر علل قابل پیشگیری مرگ و بیماری، به شدت نقض حقوق آنهاست. متأسفانه، کسانی که واقعاً قدرت تصمیم‌گیری دارند، به این موضوع اهمیت نمی‌دهند. در دنیای امروزی که از نظر اخلاقی دچار انحطاط شده، زندگی، سلامتی و آینده کلی بشریت برای منفعت معامله می‌شود و توسل به وجدان اکثریت مردم هیچ فایده‌ای ندارد. هزینه‌های آسیب زیست محیطی به زندگی کودکان بسیار زیاد است. بنابراین، شاید محاسبات صرفه اقتصادی می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در حفاظت از محیط‌زیست باشد.

آنچه در اسناد بین‌الملل خاصه در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ آمده است، بعضاً تصریحی و بعضاً تلویحی، حمایت ارزشمندی از حق کودکان بر محیط‌زیست سالم را تبیین می‌نماید. کشورها باید حقوق داخلی خود را در این مسیر توسعه دهند. در ایران، تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ نمونه ارزشمندی از توجه به این مهم است.

## منابع

- انصاریان، مجتبی (۱۳۹۸). حقوق محیط‌زیست. چاپ سوم. تهران. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- امید، محمدرضا (۱۳۸۵). کنوانسیون حقوق کودک و حق شرط ایران. چاپ اول. تهران. انتشارات همای دانش.
- پوره‌اشمی، سید عباس و ارغند، بهاره (۱۳۹۸). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. چاپ سوم. تهران. انتشارات دادگستر.
- جلالیان، عسکر (۱۳۹۵). حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- جلالیان، عسکر و سرگزی، امین (۱۳۹۷). نقش رویه قضایی در توسعه حقوق محیط‌زیست. دومین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حقوق.
- جلالیان، عسکر و شهبازی، منوچهر (۱۳۹۷). محیط‌زیست و رابطه آن با حقوق بشر. کنفرانس ملی توسعه اجتماعی.
- جلالیان، عسکر، سخن لطیف، یلدا (۱۳۹۸). نقش کمیسیون حقوق بشر در تحقق حقوق کودکان در کشورهای در حال توسعه، ماهنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره ۲، شماره ۱۷.
- قاضی، حامد (۱۳۹۹). حقوق کودک و اهمیت آموزش‌های محیط‌زیستی.
- لشکری، اکبر (۱۳۹۷). حمایت از حقوق کودک و حفظ محیط‌زیست سالم. فصلنامه حقوق محیط‌زیست. سال سوم. شماره اول.
- مرادی، حسن (۱۳۹۶). حقوق محیط‌زیست بین‌الملل. چاپ سوم. تهران. نشر میزان.
- مشهدی، علی (۱۳۸۹). ترمینولوژی حقوق محیط‌زیست. چاپ اول. تهران. انتشارات خرسندی.
- Alfredo Bautista (2018). *Preschool Educators' Interactions with Children About Sustainable Development: Planned and Incidental Conversations*. International Journal of Early Childhood. <https://doi.org/10.1007/s13158-018-0213-0>.
- Ana Radina (2017). *THE CHILD'S RIGHT TO A CLEAN ENVIRONMENT*. 22nd International Scientific Conference on Economic and Social Development – "Legal Challenges of Modern World".
- Annex (1989). *Convention on the Rights of the Child U.N.* General Assembly Document A/RES/44/25.
- Elliot Curry (2010). *Water Scarcity and the Recognition of the Human Right to Safe Freshwater*. *Northwestern Journal of International Human Rights*. Volume 9, Number 1.
- Harriet Edwards and Laura Wellesley (2018). *HEALTHY AIR FOR EVERY CHILD: A CALL FOR NATIONAL ACTION*. Published by UNICEF. New York. Website: [www.unicef.org](http://www.unicef.org).
- Jonathan Todres (1998). *Emerging Limitations on the Rights of the Child: the U.N. Convention on the Rights of the Child and Its Early Case Law*. Georgia State University College of Law Reading Room.
- JONI PEGRAM (2020). <https://www.childrenenvironment.org>.
- Marta Santos Pais, Susan Bissell (2006). *Overview and implementation of the UN Convention on the Rights of the Child*. [www.thelancet.com](http://www.thelancet.com).
- UNICEF (2019). *for every child, every right The Convention on the Rights of the Child at a crossroads*. Published by UNICEF. New York. Website: [www.unicef.org](http://www.unicef.org).